

شیوه‌های ارتقای مناسبات دانشگاهیان با مجموعه‌ی نظام و مدیریت کلان کشور*

دکتر سیدرضا
نقیب‌السادات**

چکیده

به زعم صاحب‌نظران مسائل توسعه، دوام و بقا و استمرار پایدار در هر جامعه‌ای به مشارکت هم‌ی افراد آن جامعه، به ویژه اقشار دانشگاهی و روشنفکر و تحصیل‌کرده‌ی آن جامعه بستگی دارد به گونه‌ای که برخی اندیشمندان مسائل توسعه، دانشگاه را مرکز ثقل تحولات دانسته‌اند و روشنفکران و تحصیل‌کردگان را عاملان این تغییر می‌دانند. از سوی دیگر موفقیت کشورهای در حال توسعه در اجرای برنامه‌های نوسازی تا حد بسیار زیاد، بستگی به نحوه پیشرفت دانشگاهها در آن کشورها دارد. با این پیشینه‌ی ذهنی، این پژوهش در صدد بررسی دیدگاه اساتید دانشگاهها نسبت به شیوه‌ی ارتقای مناسبات آنها با نظام و مدیریت کلان کشور است. در ضمن به بحث اینکه وضعیت کنونی این مناسبات چیست و چگونه می‌توان مشکلات موجود بر سر راه تعامل اساتید با مجموعه‌ی نظام را از میان برداشت، پرداخته است. این پژوهش در سال ۱۳۸۳ انجام شده است.

واژگان کلیدی: دانشگاه، دیدگاه اساتید، نظام جمهوری اسلامی، مناسبات اساتید و نظام.

* تاریخ دریافت: ۸۵/۲/۱۵، پذیرش نهایی: ۸۶/۲/۳۰

طرح موضوع

این پژوهش درصدد بررسی دیدگاه اساتید دانشگاه نسبت به شیوه‌های ارتقای مناسبات آنها با نظام و مدیریت کلان کشور است. در این مورد پرسشهایی چند مطرح می‌گردد که باید پاسخ آنها مشخص گردد، از جمله اینکه وضعیت کنونی این مناسبت چیست؟ چگونه می‌توان مشکلات و موانع موجود را از سر راه تعامل اساتید با مجموعه‌ی نظام از میان برداشت و سطح آن را ارتقا بخشید؟

هنگامی که صحبت از شیوه‌های ارتقای مناسبات اساتید با نظام به میان می‌آید، مقصود راه‌هایی است که اساتید از طریق آنها - البته به زعم خود ایشان - بتوانند با مجموعه‌ی نظام و مدیریت کلان کشور ارتباط داشته، دیدگاه‌های تخصصی آنها جذب فرایند مدیریتی کشور گردد و نقش مشورتی ایشان برای حل مسایل و مشکلات کشور ایفا شود تا بتوان از توانایی و تخصص این قشر در جامعه با حمایت مسؤولان و اداره کنندگان کشور بهره‌برداری نمود.

بیان ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق (نظری و عملی)

آنچه که امروز در جوامع مختلف به عنوان یک تنگنا محسوب می‌گردد، فقدان و یا کمبود نیروهای متخصص و صاحب‌نظران با تجربه است و چنانچه این سرمایه‌ی انسانی ارزشمند در جامعه موجود باشد، عدم بهره‌برداری بهینه از آن در فرایند مدیریتی، هدر دادن سرمایه‌ها است، لذا با توجه به اهمیت حصول آرا دیدگاه‌های اساتید و رفع موانع موجود بر سر راه ارتقای مناسبات اساتید با مجموعه‌ی نظام (که زمینه‌ی اصلی این پژوهش است) اما با حصول یافته‌ها، می‌توان موانع را از میان برداشت و با ایجاد مناسبات معقول و منطقی عالمانه و بهینه، زمینه‌ی بهره‌مندی جامعه را از تعهد و تخصص اساتید فراهم نمود و زمینه‌ی لازم برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی را توسط مسؤولان فراهم کرد.

هدف اصلی تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، شناخت شیوه‌های ارتقای مناسبات دانشگاهیان (اساتید) با نظام و مدیریت کلان

کشور و راهکارهای از میان برداشتن مشکلات موجود بر سر راه تعامل بهینه‌ی اساتید با مجموعه‌ی نظام است.

نگاهی گذرا به مبانی نظری موضوع

ایجاد ارتباطات مناسب با افراد گوناگون و بخش‌های مختلف دولت يك امر مهم به شمار می‌آید. رؤسای دانشگاه‌ها باید با توجه به نیاز دانشگاه خود، نظامی را طراحی کنند تا به دور از مشغله‌های روزمره، با نیروهای داخل و خارج به تعامل بپردازند. ایجاد ارتباط، امری فراتر از ملاقات‌های حضوری در دفتر کار یا شرکت در جلسات و برخوردها و ملاقات‌های غیر رسمی و نشست‌های صمیمی است. گوش فرا دادن به نظریات و پیشنهادهای اساتید، انتقال و بیان مناسب موضوعات و نشست‌های رسمی از چارچوب‌های اصلی بر نامه ریزی است. پیشرفت مجموعه‌ی دانشگاهی همچنین به ایجاد ارتباط با جامعه بستگی دارد.

به عبارت دیگر چنانچه اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها (که بعنوان عناصر فکری و نخبه‌ی جامعه محسوب می‌شوند) با بدنه‌ی جامعه در ارتباط باشند، نظرات کارشناسی خود را در شرایطی این‌تر و ملموس‌تر می‌توانند ارائه نموده و در جهت مشکل‌گشایی جامعه گام بردارند.

در پاسخ به نیازهای جامعه نیز در سال‌های اخیر شاهد دگرگونی‌های مهمی در نظام آموزش عالی در جامعه‌ی خود هستیم. افزایش شمار دانشجویان، توسعه‌ی آموزش عالی، تنوع رشته‌های دانشگاهی و تقویت منابع درسی همه در راستای فراهم آوردن نیروی تخصصی مورد نیاز جامعه برای پاسخ به نیازها و انتظارات اجتماعی است. این تغییرات در کنار تغییرات گسترده در سطح جامعه نیز بوده است که درک متقابل این تغییرات، می‌تواند کارکردهای هر يك از اجزای این نظام را بالا ببرد.

چنانچه نگاهی گذرا و محدود به مبانی نظری موضوع مورد بررسی بیندازیم، اگر چه از جنبه‌های مختلف در آثار گوناگون به موضوعات مشابه پرداخته شده است، لیکن در این مختصر؛ به نقش اساتید، صاحب‌نظران و متخصصان در فرایند توسعه و همچنین نقش آموزش اکتسابی در فضای آموزش عالی در قوام اجتماعی و پاسخ به نیازهای جمعی اشاره می‌شود.

از يك سو به زعم صاحب‌نظران مسایل توسعه؛ همچون هوزلیتز^۱، اتزیونی^۲ (1987)، مانفرد^۳ (1988)، میدگلی^۴ (1992) و دیگران، تحقق، دوام، استمرار توسعه‌ی پایدار در هر جامعه به مشارکت هم‌ی افراد و آحاد آن جامعه مخصوصاً قشر تحصیلکرده، دانشگاهی و روشنفکر آن بستگی دارد. لیپست^۵ دانشگاه را مرکز ثقل تحولات، افکار و ارزشهای نو دانسته و قشر روشنفکر و تحصیلکرده را عاملان تغییر و تحول و حاملان ارزشها و افکار بدیع و جدید در جامعه به شمار آورده است. از این رو، شوماخر^۶ به صراحت اعلام کرده است که هر برنامه‌ریزی معطوف به توسعه - اعم از این که آن برنامه در سطح منطقه‌ای باشد یا ملی- بدون مشارکت فعال نیروهای تربیت شده، علمی و کارآمد مقدور نیست و توسعه به مفهوم مشارکت فراگیر اجتماعی، سیاسی، روانی، فرهنگی و اقتصادی این نیروها در توسعه معنی پیدا می‌کند (شوماخر، ۱۳۷۳: ۱۴۱).

از سوی دیگر موفقیت کشورهای در حال توسعه در اجرای برنامه های نوسازی، تا حدود زیادی بستگی به نحوه پیشرفت دانشگاهها در آن کشورها دارد. دانشگاهها وسیله‌ی نهادی برای توسعه و نوسازی سیاست، اقتصاد، جامعه و فرهنگ محسوب می‌شوند. محیط اجتماعی دانشگاه، چون هر محیط آموزشی، به مثابه نهادی اجتماعی نقش عمده‌ای را در انتقال فرهنگ، درونی کردن هنجارها و ارزشهای اجتماعی، تکوین شخصیت، توسعه‌ی مفهوم «من اجتماعی»، انتقال ارزشها و مهارتها و آموزش فنون و علوم ایفا می‌کند.

تعلیم و تربیت آکادمیکی، ذخایر معنوی، علمی، ادبی، حقوقی و هنری را حفظ می‌کند و به جوانان می‌آموزد که چگونه نظامهای فکری مبتنی بر سنت را در جهت پیشبرد و ارتقای سطح جنبه های مادی و غیرمادی و توسعه از نو شکل دهند. در هر جامعه، حتی در دموکراتیک ترین آنها، دانشگاهها موجب می‌شوند که افرادی که باید در سلك برگزیدگان^۷ در آیند، از سایر افراد متمایز گردند و به آنها مهارتهایی را یاد می‌دهند که برای به عهده گرفتن رهبری به آنها نیاز دارند. از این رو، آموزش دانشگاهی به انتخاب مردان خلاق و رهبران و پرورش و تربیت حاملان فرهنگ، کمک می‌کند.

به زعم جامعه شناسان کارکردگرا، شخصیت، محصول درونی شدن موقعیتهای دارای نقش و پایگاه است. محیطهای آموزشی، به ویژه محیط کالج، نقش عمده‌ای را در تکوین من اجتماعی افراد بازی می‌کنند. پارسونز^۸، یکی از پیشروان نظریه‌ی کنش اجتماعی^۹، معتقد است که مدرسه در همه‌ی سطوح، ارزشهای نظیر مسئولیت اجتماعی، پاسخگویی اجتماعی، درگیر بودن اجتماعی و نظایر آن را در اعضای درونی می‌سازد و در آنها آگاهیها و معانی مشترک رفتارها، کنشها، ارزشها و الگوی عمل را شکل می‌دهد.

همچنین بخشی از تلاش جامعه‌شناسان، مصروف بررسی و تبیین ناسازگاریهای حاکم بر روابط فرد و جامعه و بررسی کارکردهای گسل‌نهادها و سازمانهای اجتماعی و عدم درونی شدن قواعد اخلاقی است. یکی از آثار و نتایج مهم بارز جامعه‌پذیری ناموفق در سطح افراد و اجتماعی کردن نامطلوب و غیر کارآمد در سطح نهادهای اجتماعی کننده، بیگانگی فرهنگی^{۱۱} است که مترادف با مفهوم بیگانگی اجتماعی، بی‌هنجاری^{۱۲} و انزوای ارزشی^{۱۳} به کار رفته است. انزوای ارزشی مبین انفصال فرد از نظام باورها، ارزشها، هنجارها و الگوهای عمل، اهداف فرهنگی و انتظارات جمعی است (محسنی‌تیریزی، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

گریب و هیکه نیز ویژگیهای اساسی يك الگوی پیش‌بینی نیروی انسانی را در چارچوب رهیافت تحلیل نیروی انسانی مورد نیاز برای پاسخ به جامعه (برای کشور هلند) ارائه می‌دهند. در اینجا ساختار نیروی انسانی کارآمد براساس این نیاز در جامعه تعیین می‌گردد (گریب و هیکه ۱۹۹۸: ۵۹).

روش تحقیق

در این بخش از پژوهش به روش‌شناسی تحقیق می‌پردازیم. این پژوهش که تحت عنوان «شیوه‌های ارتقای مناسبات (تعامل) دانشگاهیان با نظام و مدیریت کلان کشور» صورت گرفته، با هدف اصلی شناخت شیوه‌های ارتقای مناسبات دانشگاهیان (اساتید) با نظام و مدیریت کلان کشور و راهکارهای از میان برداشتن مشکلات موجود بر سر راه تعامل بهینه‌ی اساتید با مجموعه‌ی نظام و با روش مصاحبه‌ی عمقی انجام شده است.

تکنیک تحقیق

در روش مصاحبه‌ی عمقی از تکنیک مصاحبه‌ی نیمه‌هدایت شده^{۱۳} استفاده شده است.
جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این بررسی عبارتست از اساتید کل کشور، که مبتنی بر نظام پیش‌بینی شده برای جمع‌آوری اطلاعات و طبقه‌بندی استانی در نظر گرفته شده است. این پژوهش در سال ۱۳۸۳ صورت پذیرفته است.

برآورد حجم نمونه

حجم نمونه در روش مصاحبه‌ی عمقی ۳۰ تا ۵۰ نفر برآورد شده است. نسبت پیش‌بینی شده بر اساس جدول دواس با توجه به میزان انحراف معیار محاسبه شده، ذیل منحنی توزیع نرمال برآورد گردیده است.

با توجه به حساسیت موضوع، به منظور بالا بردن دقت بررسی، سقف تعداد مورد نظر مصاحبه شده‌اند. روش نمونه‌گیری نیز روش نمونه‌گیری تلفیقی و ترکیبی با ۲ شیوه‌ی چند مرحله‌ای و سهمیه‌ای است.

رویه‌ی جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش، پس از تعیین اهداف و مشخص شدن سوال‌های پژوهش، متغیرها و مفاهیم اصلی مورد جستجو قرار گرفت و منابع مقتضی جمع‌آوری شده با تاکید بر آنها در چارچوب روش تحقیق و ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فهرست سئوالها آماده شد و به صورت مصاحبه از اساتید پرسیده شده است. اطلاعات جمع‌آوری شده نیز پس از دسته‌بندی، به صورت جداول یک بعدی توصیف شده‌اند.

نتایج

- به لحاظ موضع کنونی دانشگاهیان نسبت به نظام و مدیریت کلان کشور، بیشترین نسبت؛ یعنی ۵۳/۷ درصد افراد اظهار داشتند که نظر مساعدی نسبت به مدیریت کلان کشور ندارند و کمترین نسبت؛ یعنی ۳/۸ درصد پاس‌خگویان اظهار داشته‌اند که سعی می‌شود با اهداف نظام همسویی داشته باشند.

- به لحاظ میزان اعتماد ایشان نسبت به مدیریت کلان کشور و نظام، بیشترین نسبت؛ یعنی ۳۸/۸ درصد افراد اظهار داشتند که میزان اعتماد آنها نسبت به مدیریت کلان کشور و نظام در حال کاهش یافتن است و کمترین نسبت؛ یعنی ۷/۴ درصد افراد اظهار داشته‌اند که بیشتر اساتید به مدیریت کلان کشور اعتماد دارند.

- به لحاظ انتظارات آنها از نظام و مدیریت کلان کشور، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲۶ درصد افراد اظهار داشتند که از نظام و مدیریت کلان کشور این انتظار را دارند که وضعیت معیشت اساتید و در درجه‌ی دوم مردم را بهبود ببخشند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد افراد اظهار داشته‌اند که باید محیط دانشگاهی با محیط دولت تلفیق شود.

- به لحاظ شیوه‌های پاسخگویی به انتظارات و توقعات اساتید از سوی نظام، بیشترین نسبت؛ یعنی ۱۶/۶ درصد افراد اظهار داشتند که شیوه‌ی پاسخگویی، عمل کردن به وعده‌های داده شده است و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد اظهار داشته‌اند که گروه‌های مختلف، نظر متفاوت با هم دارند.

- به لحاظ عوامل شکل‌گرفتن مناسبات اساتید با نظام در حال حاضر، بیشترین نسبت؛ یعنی ۱۴/۸ درصد افراد، عوامل اقتصادی را به عنوان عامل شکل‌گیری ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد افراد عوامل مدیریتی را ذکر کرده‌اند.

- به لحاظ موفق یا عدم موفق عمل کردن نظام در ارتباط با اساتید، بیشترین نسبت؛ یعنی ۵۰ درصد افراد اظهار داشته‌اند که نظام تاکنون موفق عمل نکرده است و دلیل آن را هم مدیرانی می‌دانند که وزارتخانه یا اداره‌ی خود را براساس جناح‌بازی اداره می‌کنند نه مصلحت مردم و مملکت و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد افراد از عملکرد نظام راضی بوده‌اند.

- به لحاظ جایگاه مطلوب دانشگاهیان در نظام از نظر اساتید، بیشترین نسبت؛ یعنی ۵۰ درصد افراد اظهار داشته‌اند جایگاه مطلوب اساتید وقتی مشخص است که به عنوان مشاور در سیاست‌گذاری‌های کلان مملکت از آنها استفاده شود و به نظرات کارشناسی آنها اهمیت داده شود و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد افراد نظرشان این بوده که گروه‌های متفاوت، نظر متفاوت دارند.

- به لحاظ میزان علاقه‌مندی اساتید به تعامل با نظام برای دستیابی به جایگاه مطلوب، بیشترین نسبت؛ یعنی ۵۳/۷ درصد افراد اظهار داشته‌اند در حد توان تمایل به همکاری داریم و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد افراد اظهار بی‌علاقگی کرده‌اند.

- به لحاظ ميزان تاثير عملکرد مسؤولان نظام در جهت جلب اعتماد اساتيد، بيشترين نسبت؛ يعنى $57/4$ درصد افراد عملکرد مسؤولان را كاملاً موثر دانسته‌اند و كمترين نسبت؛ يعنى $5/5$ درصد افراد عملکرد مسؤولان را در حد كم عنوان کرده‌اند.

- به لحاظ ميزان برآورده ساختن توقعات دانشگاهيان از سوي مديريت كلان كشور، بيشترين نسبت؛ يعنى $44/4$ درصد افراد ميزان برآورده ساختن توقعات دانشگاهيان از سوي مديريت كلان كشور را در حد بسيار ضعيف عنوان کرده‌اند و كمترين نسبت؛ يعنى $3/7$ درصد افراد اظهار داشته‌اند كه در زمينه‌ي علمي در حد متوسط بوده، ولي از نظر معيشتي در حد مطلوب نبوده است.

- به لحاظ موانع موجود براي گسترش مناسبات دانشگاهيان با نظام و مديريت كلان كشور از نظر اساتيد، بيشترين نسبت؛ يعنى 26 درصد افراد عدم توجه به خواسته‌ها و نيازهاي جامعه‌ي دانشگاهي اعم از رفاهي، علمي و اجتماعي را به عنوان يك مانع مي‌دانسته‌اند و كمترين نسبت؛ يعنى $1/8$ درصد افراد وجود مديران دنياپرست و بيفكر در سطح بالا را به عنوان يك مانع و به عنوان آسيب ذكر کرده‌اند.

- به لحاظ ضعفها و آسيبهاي موجود در اثر فقدان تعامل و مناسبات مطلوب ميان دانشگاهيان با نظام و مديريت كلان كشور، بيشترين نسبت؛ يعنى $14/8$ درصد افراد ضرر كردن در تمام زمينه‌ها به خصوص توليد را عنوان کرده‌اند و كمترين نسبت؛ يعنى $1/8$ درصد افراد جهت‌گيري‌هاي نامناسب را عنوان کرده‌اند.

- به لحاظ مشكلات موجود از لحاظ كارشناسي در كشور در حال حاضر از نظر اساتيد، بيشترين نسبت؛ يعنى $29/6$ درصد افراد تمام معضلات موجود در كشور از جمله فرهنگي، اقتصادي و سياسي را به عنوان مشكل ذكر کرده‌اند و كمترين نسبت؛ يعنى $1/8$ درصد افراد عدم توليد علم را به عنوان مشكل ذكر کرده‌اند.

- به لحاظ آسيبها و چالش‌هاي كه در سالهاي آتي دانشگاه و اساتيد را تهديد مي‌كند؛ از نظر اساتيد، بيشترين نسبت؛ يعنى $16/6$ درصد افراد جداي مردم و دانشگاهيان از نظام و بيفاوتي فرهنگي و ديني را به

عنوان آسیب ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد افراد نداشتن بودجه‌ی کافی در دانشگاه را ذکر کرده‌اند.

- به لحاظ نقاط قوت افزایش مناسبات و تعامل گسترده‌تر اساتید با نظام و مدیریت کلان کشور از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲۰/۳ درصد افراد پیشبرد کشور در تمام سطوح علمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به عنوان نقطه قوت افزایش مناسبات و تعامل اساتید با نظام ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد افراد افزایش علاقه‌مندی به میهن را بعنوان نقطه قوت افزایش مناسبات ذکر کرده‌اند.

- به لحاظ چگونگی استفاده از تخصص اساتید برای پاسخ به انتظارات نظام و مدیریت کلان کشور از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲۷/۷ درصد افراد به کارگیری اساتید در گروه‌های تخصصی خودشان در امور مورد نیاز کشور را ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد افراد تشکیل کمیته‌های کارشناسی را عنوان کرده‌اند.

- به لحاظ راه‌های استفاده از امکانات بالقوه‌ی اساتید از نظر آن‌ها، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲۰/۳ درصد افراد؛ نهادینه کردن مشارکت اساتید در تصمیم‌گیری‌ها را به عنوان یک راهکار ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد افراد بورسیه نمودن دانشجویان دکتری به وسیله‌ی ادارات را بعنوان یک راه استفاده از امکانات بالقوه ذکر کرده‌اند.

- به لحاظ میزان تاثیر رفع کردن مسائل و مشکلات معیشتی اساتید در ارتقای مناسبات ایشان با نظام از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۶۱/۱ درصد افراد بوده که میزان تاثیر رفع کردن مسائل و مشکلات معیشتی اساتید در ارتباط مناسبات با نظام را در حد خیلی زیاد عنوان کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۵/۵ درصد افراد رفع کردن مسائل و مشکلات معیشتی را مختص به اساتید نمی‌دانسته‌اند بلکه برای عموم مردم ذکر کرده‌اند.

- به لحاظ شیوه‌های بهره‌مندی از استعداد و توانایی‌های اساتید برای ارتقا مناسبات آنها با نظام از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲۹/۶ درصد افراد شیوه‌ی بهره‌مندی از استعدادها و توانایی‌های اساتید را به کارگیری اساتید با توجه به رشته‌های

شيوه‌هاي ارتقاي مناسبات دانشگاهيان با مجموعه نظام و مديريت كلان كشور ♦ ۳۵

تخصی‌شان ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $۱/۸$ درصد افراد جلب اعتماد اساتید را ذکر کرده‌اند.

- به لحاظ شیوه‌ها و راهکارهایی که می‌توان برای ارتقای مناسبات و افزایش دامنه‌ی تعامل اساتید با نظام و مدیریت کلان سود جست از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $۳۵/۱$ درصد افراد مشورت و مشارکت دانشگاهیان در تصمیمات کلان و زمینه‌های بروز آن را به عنوان يك راهکار ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $۱/۸$ درصد افراد تعریف جایگاه مناسب اساتید را به عنوان يك راهکار ذکر کرده‌اند.

- به لحاظ میزان اهمیت انعکاس مناسبات دانشگاهیان با نظام و مدیریت کلان کشور، بیشترین نسبت؛ یعنی $۶۱/۱$ درصد افراد میزان اهمیت انعکاس مناسبات دانشگاهیان با نظام و مدیریت کلان کشور را در حد خیلی زیاد ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $۳/۷$ درصد افراد اظهار داشتند که اصلاً انعکاس مشهودی وجود ندارد.

- به لحاظ شیوه‌ها و روش‌هایی که می‌توان مناسبات دانشگاهیان با نظام و مدیریت کلان کشور را انعکاس داد از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $۳۱/۴$ درصد افراد اظهار داشتند از طریق وسایل و رسانه‌های ارتباط جمعی می‌توان مناسبات دانشگاهیان با نظام و مدیریت کلان کشور را انعکاس داد و کمترین نسبت؛ یعنی $۵/۵$ درصد افراد تعامل و ارتباط مسئولین با اساتید را به عنوان يك شیوه ذکر کرده‌اند.

- به لحاظ شایسته بودن انعکاس مناسبات دانشگاهیان با نظام از طریق رسانه‌ها از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $۵۷/۴$ درصد افراد انعکاس مناسبات دانشگاهیان با نظام را از طریق رسانه‌ها شایسته می‌دانستند، البته به طریق کارشناسانه و کمترین نسبت؛ یعنی $۵/۵$ درصد افراد این انعکاس را قبول نداشته‌اند.

- به لحاظ میزان تاثیر به کارگیری اساتید در مدیریت کلان کشور در ارتقای مناسبات دانشگاهیان با نظام از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی $۶۱/۱$ درصد افراد میزان تاثیر به کارگیری اساتید در مدیریت کلان کشور در ارتقای مناسبات دانشگاهیان با نظام را در حد خیلی زیاد عنوان کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی $۱/۸$ درصد افراد این میزان را تا حدودی ذکر کرده‌اند.

- به لحاظ ارزیابی شیوه‌های به کار گرفته شده توسط مدیریت کلان کشور برای جذب اساتید از نظر پاسخگویان،

بیشترین نسبت؛ یعنی ۴۴/۴ درصد افراد شیوه‌های به کار گرفته شده را در حال حاضر نارسا و ضعیف دانسته‌اند و اعتقاد داشتند باید گسترده‌تر شود و کمترین نسبت؛ یعنی ۳/۷ درصد افراد اظهار داشتند فعلاً هر چه هست وابسته به افراد خاص است.

- به لحاظ میزان مورد توجه قرار گرفتن راهکارهای ارائه شده از سوی اساتید توسط مسؤولان نظام از نظر دانشجویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۴۸/۱ درصد افراد میزان مورد توجه قرار گرفتن راهکارهای ارائه شده از سوی اساتید توسط مسؤولان نظام را در حد خیلی کم عنوان کرده‌اند و دلیل آن را هم عدم تعامل فی‌مابین و کوتاهی مدیران می‌دانستند و کمترین نسبت؛ یعنی ۳/۷ درصد افراد اظهار داشته‌اند اصلاً اطلاع دقیقی ندارند.

- به لحاظ موفقیت علمی کشور ما در مقایسه با کشورهای دیگر از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۳۱/۴ درصد افراد اظهار داشته‌اند موفقیت علمی کشورمان در مقایسه با کشورهای دیگر در سطح بالایی نیست به خصوص در سطح جهانی و کمترین نسبت؛ یعنی ۳/۷ درصد افراد اظهار داشته‌اند که عمدتاً مصرف‌کننده هستیم تا تولیدکننده.

- به لحاظ قابل تحقق بودن نظر مقام معظم رهبری در باب جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از نظر پاسخگویان، ۸۵/۱ درصد افراد اظهار داشته‌اند نظر مقام معظم رهبری در باب جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم اگر به صورت جدی گرفته شود، قابل تحقق است.

- به لحاظ موانع و مشکلات در سر راه تحقق جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲۲/۲ درصد افراد یکسان نبودن حرف و عمل مسؤولین را به عنوان مشکل ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد افراد مدیریت افراد ناکارآمد را به عنوان مشکل ذکر کرده‌اند.

- به لحاظ راههای رفع مشکلات و موانع موجود بر سر راه جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم از نظر پاسخگویان، بیشترین نسبت؛ یعنی ۲۷/۷ درصد افراد توسعه‌ی حرکت‌های هم‌اندیشی در سطح سازمان‌ها و اهمیت دادن به پژوهش و بحث‌های علمی را به عنوان راههای رفع مشکلات ذکر کرده‌اند و کمترین نسبت؛ یعنی ۱/۸ درصد

افراد ارتباط دادن علم و توليد با نيازهاي مملکت را به عنوان راههاي رفع مشکلات ذکر کرده اند. - از جنبه‌ي فرصتها و تهديدهاي کنوني به لحاظ توليد علمی در کشور از نظر پاسخگويان، بيشترين نسبت؛ يعنی ۲۷/۷ درصد افراد اظهار داشتند وجود گروههاي تخصصی، از فرصتهاي موجود توليد علمی در کشور است و کمترین نسبت، يعنی ۱/۸ درصد پاسخگويان، استعداد و توانايي مردم را، به عنوان فرصت توليد علمی کشور ذکر کرده اند.

- به لحاظ پاسخگويي علوم انسانی در باب نيازهاي جامعه‌ي ايراني از نظر پاسخگويان، بيشترين نسبت؛ يعنی ۴۸/۱ درصد افراد اظهار داشته‌اند علوم انسانی پاسخگوي نيازهاي جامعه‌ي ايراني نيست و کمترین نسبت؛ يعنی ۱/۸ درصد افراد اظهار بي‌اطلاعی کرده اند.

- به لحاظ وضعيت علوم انسانی کشور در مقايسه با کشورهاي در حال توسعه از نظر پاسخگويان، بيشترين نسبت؛ يعنی ۳۳/۳ درصد افراد وضعيت علوم انسانی را در مقايسه با کشورهاي منطقه‌اي، در ايران پيشرفته می‌دانند (البته نسبت به کشورهاي توسعه يافته يا عقب افتاده) و کمترین نسبت؛ يعنی ۹/۲ درصد افراد اظهار داشتند در مباحث علوم انسانی هر کشور را بايد جداگانه با فرهنگ، مشکلات و آرمان‌هاي خودش بررسی کرد.

بخش دوم: پيشنهاها:

در انتهاي اين مقاله براي ايجاد تعامل و تقويت مناسبات دانشگاهيان با مجموعه‌ي نظام و مديريت كلان کشور در دو سطح پيشنهاها قابل ارائه است:

الف) پيشنهاهاي سطح خرد

در اين سطح پيشنهاها بيشتر در چارچوب خصوصيات و ويژگيهاي فردي خلاصه می‌گردد.

* تشکيل هسته‌هاي علمی دانشگاهي در پيرامون مسايل مبتلا به جامعه و مسوولان کشور و ارائه‌ي مستمر نظرات به شکل پيشنهاهاي کارشناسانه

* ايجاد روحيه‌ي اميدواري و اعتماد به نفس در ميان دانشگاهيان از طريق ارتقاي جايگاه اجتماعي ايشان و استفاده و بهره‌مندی از آراء و نظرات در فرايند تصميم‌گيري در مديريت كلان کشور

- * اصلاح، گسترش و تعمیق نگرش دانشگاهیان به خدمت رسانی به مدیریت کلان کشور
- * آشنا نمودن دانشگاهیان با حقوق خویش و به رسمیت شناختن این حقوق
- * به کارگیری و اشتغال اساتید در حوزه‌ی فعالیت و رشته‌ی تخصصی ایشان
- * تشکیل کمیته‌ها و هسته‌های کارشناسی
- ب) پیشنهادهای سطح کلان**
- در این سطح بیشتر پیشنهادهای در مجموعه‌ی مدیریتی کشور قابل پیگیری است.
- * وجود یک رابطه‌ی یکپارچه بین مدیریت کلان کشور با اساتید دانشگاه (دانشگاهیان)
- * قراردادادن دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی در مسیر تدوین برنامه‌ها و فرایند تصمیم‌گیری کشور
- * زمینه‌سازی برای تطابق مشورتهای کارشناسی تخصصی اخذ شده با مسایل و مشکلات اصلی کشور
- * زمینه‌سازی حضور فعال اساتید و نخبگان کشور در محافل تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کشور
- * جلب اعتماد و پاسخگوسازی نظام مدیریتی کشور
- * زمینه‌سازی در میان دانشگاهیان برای اعتماد به محیط و پاسخگویی مسؤولان
- * بالابردن قابلیت انعطاف محیط سیاسی و اجتماعی و مدیریتی کشور در کنار افزایش خودباوری در میان دانشگاهیان
- * بسترسازی درجهت پاسخدهی نظام رؤییتی کشور به جامعه‌ی دانشگاهی (به عنوان نیروی متخصص)
- * جلب اعتماد از طریق تغییر در رفتارها و عملکردهای مدیریتی به تبع اخذ دیدگاههای کارشناسانه
- * گسترش ارتباطات میان دانشگاهیان با مدیریت کلان کشور (مجموعه‌ی نظام) از طریق حذف برخوردهای سیاسی
- * نظام‌مند کردن گرایشها و آرای دانشگاهیان برای خدمت‌رسانی به نظام
- * تنوع بخشی زمینه‌های مشارکت دانشگاهیان و برخورد توام با احترام در مواجهه با ایشان از جانب مسؤولان نظام
- * ایجاد تسهیلات قانونی و زمینه‌سازی برای گسترش این مناسبات با مدیریت کلان کشور

* ارزيابي مستمر مناسبات قبلي يا جاري از طريق نقد عالمانه و دقيق نقاط قوت و ضعف مناسبات قبلي

* نهادينه كردن شركت اساتيد در تصميم‌گيريهاي مديريتي كشور با برنامه‌ريزي دقيق

* برگزاري سمينارها و نشستهاي مشترك تخصصي با مديريتها و مسؤولان مختلف كشور

مشكلات احتمالي

مشكلاتي چند نيز در مسير ارتقاي مناسبات ميان دانشگاهيان و مسؤولان نظام و مديريت كلان كشور وجود دارد:

* محدوديت منابع مالي براي جذب اساتيد و نخبگان در ايفاي نقش كارشناسانه و فعال

* عدم استفاده‌ي بهينه از همي استعدادها و قابليت‌هاي اساتيد و دانشگاهيان نخبه در فرايند تصميم‌گيري، جذب ناعادلانه و نامتوازن برخي از تخصصها و بي‌توجهي به تخصصهاي ديگر

* پايين بودن ظرفيت برخي از مسؤولان كشور در استفاده از ديدگاهها و نظرات تخصصي

* ناهماهنگي ميان برخي از تخصصها و آموزشهاي كسب شده با نيازها، مسایل و مشكلات جامعه و انتظارات جمعي

* افت تدريجي كيفيت فعاليت اساتيد و دانشگاهيان

بدليل عدم به كارگيري بهينه يا عدم استفاده از توان تخصصي ايشان

* ضعف روحيه‌ي مشاركت و كارجمعي در ميان دانشگاهيان

براي خدمت رساني بهينه به مديريت كلان كشور

* فاصله گرفتن تدريجي دانشگاهيان از مسؤولان نظام

بدليل ناآشنائي و كمرنگ بودن زبان مشترك

* نبود ساز و كار مقتضي جهت شكل‌دهي به ارتباط بهينه ميان دانشگاهيان و مديريت كلان كشور و ارتقاي اين مناسبات

* كم بها دادن مسؤولان و تصميم‌گيران جامعه به بهره‌مندي از نظرات اساتيد و دانشگاهيان در فرايند تصميم‌گيري

پي‌نوشت ها :

1. Hoselits
2. Etzioni
3. Manfred
4. Midgley
5. Lipset
6. Schumacher

- | | | |
|------------------|-------------------------|-------------------|
| 7. Elites | 10. Cultural Alienation | 13. Semi-Directed |
| 8. Parsons | 11. Abnormality | Technique |
| 9. Action Theory | 12. Value Isolation | |

منابع

- خداداد حسینی، سیدحمید، ۱۳۸۱. توسعه‌ی آموزش‌های علمی - کاربردی: مفهوم، جایگاه و مدل مفهومی، فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره‌ی سوم.
- شوماخر، ای.اف، ۱۳۶۰، کوچک، زیباییست، ترجمه علی رامین، تهران: انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- کسرای، اسرافیل، ۱۳۷۴، مدل تخصیص بهینه‌ی بودجه بین دانشگاه‌های کشور در برنامه‌ریزی دوم، فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، پاییز و زمستان.
- محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۸۱، آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی: بررسی انزوای ارزش و دانشگاه‌های دولتی تهران، فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره‌ی چهارم.
- نیکاس ل، ساینال، ۱۳۷۷، تحول در سیاست‌گذاری و اعمال مدیریت در آموزش عالی، ترجمه داوود حاتمی.
- Grip, A.de, L.FM. Groot, J.A.M. Tleijke, (1991), Defining occupational groupintpsby educational structure, **Environment and Planning A**, 23 . p59.85 .